

راهکارهای امهال تسهیلات معوق بانکی؛ بررسی دستورالعمل نحوه امهال مطالبات مؤسسات اعتباری

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۳/۲۴

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۸/۱۲

محمود باقری^۱

غزاله صحرانورد^۲

چکیده

در راستای وظیفه واسطه‌گری بانک‌ها، سیستم بانکی با خطرهایی از منظر بازپرداخت به‌موقع تسهیلات پرداختی مواجه است که باید با تدابیر مناسب ساماندهی شود. برای مثال، چنانچه گیرنده تسهیلات قادر نباشد در سررسید اصل و سود تسهیلات اعطایی را پرداخت کند و درخواست امهال تسهیلات را داشته باشد، ضروری است شیوه‌های مناسبی جهت امهال تسهیلات بانکی طراحی شود تا ضمن دفع شبهه ربا در تسهیلات عقود مبادله‌ای، رویه واحدی برای امهال تسهیلات عقود مشارکتی در سیستم بانکی اعمال شود. لذا نویسندگان این نوشتار در جهت رفع خلأ تحقیقاتی، خواستار پاسخگویی به این سؤال اصلی هستند که آیا امهال تسهیلات معوق بانکی در قبال أخذ سود از جانب بانک‌ها صحیح است؟

فرضیه اصلی قابل اثبات این نوشتار بر این مسئله استوار است که با توجه به سیستم بانکداری اسلامی، به‌نظر می‌رسد تحلیل روش‌های امهال تسهیلات در قبال اعطای مهلت، نیازمند بررسی جداگانه در عقود مبادله‌ای و مشارکتی است. افزون بر این، با اینکه هدف از تصویب «دستورالعمل اجرایی نحوه امهال مطالبات مؤسسات اعتباری»، ساماندهی شرایط فعلی با توجه به نبود سازوکاری

1. mahbagheri@ut.ac.ir

2. ghazaleh.sahranavard@yahoo.com

۱. دانشیار دانشگاه تهران، ایران (نویسنده مسول)

۲. کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه تهران، ایران

مدون و دقیق (که ابعاد شرعی، حقوقی و حسابداری امهال مطالبات بانکها و مؤسسات اعتباری را به نحو مطلوب و مناسبی مد نظر قرار دهد) بوده است، لکن به نظر می‌رسد انجام اصلاحاتی برای تطبیق آن با نظام حقوق بانکی ضروری می‌نماید. این تحقیق بر اساس روش کتابخانه‌ای و با تکیه بر مطالعه تطبیقی احکام حقوقی با مقررات فقهی بحث حاضر تهیه می‌شود. مطالب مقاله در دو بخش «مبانی اولیه و چالش‌ها» و «راهکارهای امهال تسهیلات معوق بانکی، پاسخی به چالش‌های موجود» ارائه خواهد شد.

واژگان کلیدی: امهال، تسهیلات بانکی، دستورالعمل، سود، عقود مبادله‌ای و مشارکتی.

مقدمه

بانک‌ها از جمله مؤثرترین ابزار در اقتصاد کشورها هستند، به نحوی که نقش بسزایی در اجرای سیاست‌های پولی و مالی هر کشور ایفا می‌کنند. وظایف متعدد بانک‌ها در دهه‌های اخیر از جمله افزایش سرعت و امنیت مبادلات و اعطای اعتبار، اهمیت این نهاد را چند برابر کرده است. بنابراین آن‌ها در زمره سازمان‌هایی هستند که از حیث میزان مراودات مالی، تنوع فعالیت و ... همواره در معرض تهدیدات گوناگونی قرار دارند.

در مقام بیان نمونه‌ای از این تهدیدات و معضلات، می‌توان به ناتوانی گیرندگان تسهیلات برای بازپرداخت و تسویه تسهیلات در سررسید مقرر اشاره کرد؛ به این معنا که بسیاری از گیرندگان تسهیلات در سررسید، امکان تسویه تسهیلات را ندارند و از بانک‌ها درخواست امهال تسهیلات معوق را می‌نمایند. بانک‌ها نیز قاعده‌تاً برای تمدید مدت یا مهلت دادن به گیرنده تسهیلات تقاضای أخذ سود می‌کنند (که البته این امر در یک بانکداری متعارف با بانکداری اسلامی نظری و عملی تفاوت دارد). با توجه به اینکه آنچه مطرح شده، نحوه گذر از یک رابطه قراردادی به یک رابطه قراردادی دیگر است که امکان دارد تبعاتی از جهت تعیین سود، جریمه و غیره برای طرفین به همراه داشته باشد، این سؤال و ابهام شرعی و قانونی مطرح می‌شود که آیا امهال تسهیلات در قبال أخذ سود صحیح است؟

در پاسخ به این پرسش و با عنایت به ابعاد حقوقی گسترده این موضوع، نظام حقوقی ما

با چالش‌ها و مسائل عمده‌ای مواجه است که امکان دارد زمینه‌تشتت آرا در رویه قضایی را نیز فراهم آورد. برای مثال در تسهیلات عقود مبادله‌ای، از قبیل مرابحه، فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، جعاله، سلف و استصناع، ذمه‌گیرنده تسهیلات در قبال بانک بدهکار است و وقتی بدهکار در سررسید قادر به تسویه بدهی خود نیست، مهلت دادن به بدهکار در قبال أخذ سود شبهه را با تقویت می‌کند که از نظر قانونی جرم است. بنابراین اولین معضل در مورد امهال تسهیلات عقود مبادله‌ای شبهه را است که برای دوری از آن باید راهکار حقوقی و شرعی مناسب جهت اعطای مهلت پیش‌بینی شود. اما در تسهیلات مشارکتی، از جمله مشارکت مدنی، مضاربه، مزارعه و مساقات شبهه را مطرح نیست، لکن با مشکلات قانونی و شرعی دیگری روبرو هستیم؛ برای مثال، در مواردی که موضوع مشارکت مدنی احداث ساختمانی است که به‌اتمام رسیده یا در تسهیلات مضاربه موضوع خرید کالاها انجام شده است، لکن به دلایل مختلف موضوع مشارکت به فروش نمی‌رود تا سود حاصله شناسایی و به نسبت آورده و توافق تقسیم شود و گیرنده تسهیلات تقاضای مهلت برای فروش موضوع مشارکت یا کالاهای مورد مضاربه را می‌نماید، آیا تمدید مهلت در قبال افزایش سود صحیح است؟ در صورت امهال قرارداد تسهیلات، اعم از مبادله‌ای یا مشارکتی، ضروری است وثایق تسهیلات به تبع امهال اصلاح شود؛ لذا در این زمینه نیز باید راه‌حل‌های قانونی اصلاح، و تکمیل وثیقه‌ها از جمله اسناد تجاری و رهنی ارائه گردد.

بنابراین موضوعات محوری این نوشتار به شرح زیر است:

الف) روش‌های علمی و کاربردی نحوه امهال تسهیلات عقود مبادله‌ای بر اساس قواعد و مقررات قانونی و شرعی؛

ب) روش‌های علمی و کاربردی نحوه امهال تسهیلات عقود مشارکتی بر اساس قواعد و مقررات قانونی و شرعی؛

ج) روش‌های علمی و کاربردی نحوه اصلاح وثایق تسهیلات امهال شده بر اساس قوانین و مقررات قانونی.

از آنجایی که به‌تازگی دستورالعملی با عنوان «دستورالعمل اجرایی نحوه امهال مطالبات

مؤسسات اعتباری مصوب ۱۵ مرداد ۱۳۹۸» به منظور نظام‌مند کردن نحوه امهال مطالبات مؤسسات اعتباری به تصویب شورای پول و اعتبار رسیده، شایسته است همسو با ارائه راهکارهای امهال تسهیلات، به تحلیل احکام حقوقی این دستورالعمل پرداخته شود.

شایسته است در ابتدا با طرح مقدمات و مبانی اولیه، به آشنایی و ایجاد شناختی عمیق با چالش حقوقی موجود در این زمینه کمک کنیم و سپس به مبحث راهکارهای امهال تسهیلات بانکی با تحلیل دستورالعمل اجرایی نحوه امهال مطالبات مؤسسات اعتباری بپردازیم تا خواننده پس از شناخت ماهیت این نهاد، با آثار عملی بحث نیز آشنا شود.

۱. تعاریف و چالش‌ها

در این قسمت، به بیان مقدمات و چالش‌های حقوقی ضروری برای ورود به بحث امهال تسهیلات بانکی خواهیم پرداخت.

۱.۱. تعریف

امهال در لغت به معنای زمان دادن، فرصت دادن و موقوف گذاشتن، و استمهال به معنای درخواست و مطالبه مهلت است.^۳

امهال تسهیلات بانکی دارای دو معنای عام و خاص است؛ امهال به معنی عام، یعنی وضعیتی که پرونده به هر دلیل از طبقه معوقات خارج و به سرفصل جاری منتقل گردد و در این راستا امهال شامل تمام روش‌های مورد بحث در این نوشتار می‌شود. لیکن امهال به معنی خاص، تغییر وضعیت پرونده و انتقال به سرفصل جاری صرفاً از طریق بقای عقد منشأ تسهیلات را شامل می‌شود و سایر روش‌های امهال (که در مباحث آتی خواهد آمد) را نمی‌توان امهال به معنای اخص نامید. در این مقاله، مراد از امهال، معنی اعم واژه است که مهم نظر و خواسته گیرنده تسهیلات است؛ بنابراین هر نوع عمل بانک را که به تغییر وضعیت پرونده وام‌گیرنده، از طبقه غیرجاری به جاری منتهی گردد، شامل می‌شود.

۳. علی‌اکبر، دهخدا، فرهنگ دهخدا،

۲.۱. چرایی پیدایش و تمسک به نهاد امهال در تسهیلات بانکی

در اقتصادهایی با بازار مالی بانک‌محور، بانک‌ها نقش مؤثری در تسهیل رشد اقتصادی و بخش حقیقی ایفا می‌کنند.^۴ در این راستا، بازگرداندن و احیای منابع تخصیص‌یافته به چرخه مطالبات جاری یکی از مهم‌ترین وظایف نظام بانکی است؛ این درحالی است که انجام این وظیفه همیشه به‌آسانی میسر نخواهد بود، زیرا بسیاری از گیرندگان تسهیلات به بازپرداخت تسهیلات اعطایی بانک در سررسیدهای مقرر موفق نمی‌شوند. در واقع، در سیستم بانکی به این مطالبات «غیر جاری» می‌گویند که در دسته‌بندی مطالبات سررسید گذشته، معوق و مشکوک‌الوصول قرار می‌گیرند.^۵ در شکل‌گیری مطالبات غیرجاری عوامل بسیاری دخیل هستند که به‌طور کلی می‌توان آن‌ها را به دو دسته عوامل «درون‌سازمانی» و «برون‌سازمانی» تقسیم کرد.^۶ این معوقات برای هر دو گروه بانک‌ها و مشتریان متضمن تبعات منفی خواهد بود و در نتیجه، آن‌ها را به سمت تمسک به نهاد امهال تسهیلات بانکی برای خلاصی از تبعات منفی زیر سوق خواهد داد:

۱.۲.۱. تبعات منفی افزایش مطالبات معوق بر بانک‌ها

معوقات بانکی از دو جهت برای بانک‌ها هزینه‌بر خواهند داشت، لذا سعی در وصول یا تعیین تکلیف هرچه سریع‌تر آن‌ها در قالب امهال و انتقال معوقه به سرفصل جاری دارند:

الف) معوقات منابع بانک‌ها را از گردش مالی خارج می‌کند و این برای بانک‌ها هزینه‌بر است. برای مثال، اگر وام‌گیرنده بدهی خود را در سررسید پرداخت کند، بانک دوباره همان مبلغ را به شخصی دیگر به‌عنوان تسهیلات داده، به این وسیله سود دیگری کسب می‌کند. البته مطابق قرارداد تسهیلات، اگر گیرنده از پرداخت اقساط تأخیر نماید باید وجه التزامی

۴. فرهاد، نیلی؛ زهرا، خشنود؛ مهشید، شاهچرا، «ارزیابی فضای کسب و کار بانکی با تأکید بر محیط قانونی و مقرراتی در ایران»، فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی، ش ۱۰ (۱۳۹۴)، ص ۳۴.

۵. احمد، شعبانی و عبدالحسین، جلالی، «دلایل گسترش مطالبات معوق در نظام بانکی ایران»، فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه، ش ۴ (۱۳۹۰)، ص ۱۵۷.

۶. برای مطالعه بیشتر، ر.ک. همان.

معادل سود تسهیلات به علاوه ۶ درصد خسارت تأخیر را پرداخت نماید.^۷ اگر گیرندگان تسهیلات نسبت به پرداخت وجه التزام اقدام نمایند، قاعدتاً بانکها نباید متضرر شوند و در واقع، حتی ۶ درصد نیز بیشتر از سودی دریافت می‌کنند که با وام دادن همان مبلغ به کسی دیگر دریافت می‌کردند. ولی مشکل اینجاست که اکثر بدهکاران بانکی آن قدر تأخیر دارند که در نهایت، بانک مجبور می‌شود برای وصول اصل و سود اولیه، نه تنها ۶ درصد خسارت تأخیر را ببخشد، بلکه حتی اقدام به تعدیل و کاهش نرخ تسهیلات بنماید. بنابراین عملاً معوقات منابع بانکی را از گردونه مصرف و گردش مالی خارج می‌کند و در بعضی موارد بانک را به ورطه ورشکستگی می‌کشاند.

ب) هزینه سنگین دیگری که معوقات برای بانکها دارد، «گرفتن ذخیره مطالبات» است که هر ساله بخش عمده‌ای از سود بانک را می‌بلعد. توضیح اینکه بانکها موظف‌اند طبق دستورالعمل شماره ۲۸۲۳ مورخ ۵ اسفند ۱۳۸۵ بانک مرکزی، هر ساله برای مطالبات خود یک ذخیره عمومی و یک ذخیره اختصاصی أخذ نمایند. فلسفه ذخیره این است که بر فرض اینکه مطالبات لاوصول بماند، وجوه از محل ذخیره جبران گردد.^۸ ذخیره مطالبات در هر سال از سود حاصله کسر می‌شود و به همین دلیل، ذخیره مطالبات برای بانکها و سهام‌داران مطلوب نیست. لذا هرچه مطالبات بانکها کاهش یابد، ذخیره مطالبات به تبع آن کم و در نهایت به سود بانک در آن سال مالی افزوده خواهد شد و این به معنای کاهش هزینه‌ها و افزایش سودآوری بانک است.

۱.۲.۲. تبعات منفی تسهیلات معوق بر مشتریان

گیرنده تسهیلاتی که در پرداخت تسهیلات خود در سررسید تأخیر دارد و تأخیر بیش از دو ماه طول می‌کشد و مطالبات بانک به سرفصل طبقه غیرجاری (سررسید گذشته، معوق، مشکوک الوصول) منتقل می‌شود، به موجب ماده ۱۱ «دستورالعمل اجرایی نحوه امهال

۷. فرشته، ملاکریمی خوزانی، «بررسی مبانی دریافت جریمه دیرکرد و خسارت تأخیر تأدیه در نظام بانکی»، ویژه‌نامه بانکداری اسلامی، (۱۳۹۰)، ص ۵۲.

۸. محمدحسین، صفرزاده و ابراهیم، جعفری‌منش، «نقش کیفیت ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول بانک‌های ایرانی در مواجهه با بحران‌های سیستم بانکی»، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۲۶، ش ۳ (۱۳۹۸)، ص ۴۳۶.

مطالبات مؤسسات اعتباری» مشمول محرومیت‌های زیر می‌شود:^۹

الف) محروم شدن از افتتاح حساب و دسته چک جدید؛

ب : محروم شدن از دریافت تسهیلات بانکی (ریالی و ارزی)؛

ج : محروم شدن از دریافت اعتبارات اسنادی.

بنابراین متقاضی که معوقه بانکی دارد و از خدمات بانکی یادشده محروم است، برای برخورداری از خدمات بانکی جدید، چاره‌ای جز تسویه حساب یا تعیین تکلیف وضعیت معوقه بانکی ندارد و اگر توان مالی جهت تسویه یکجای بدهی خود را نداشته باشد، باید در قالب مقررات بانکی نسبت به امهال آن اقدام نماید تا معوقه به سرفصل جاری منتقل و متعاقب آن از خدمات بانکی بهره‌مند شود.

۳.۱. چالش‌های حقوقی مطرح در مسئله امهال تسهیلات بانکی

امروزه مسئله معوقات بانکی به یکی از معضلات و چالش‌های اصلی حوزه بانکداری تبدیل شده است، به طوری که برخی از سیاست‌های پولی و مالی در جهت اعطای تسهیلات با افزایش سیر صعودی این معوقات مورد بازنگری و اصلاح قرار گرفته است. بازگرداندن و احیای منابع تخصیص‌یافته به چرخه مطالبات جاری یکی از مهم‌ترین وظایف نظام بانکی است که اگر این مهم محقق نشود، تبعات سنگینی برای سیستم بانکداری ایجاد می‌نماید. البته اگرچه در دین مبین اسلام بر ضرورت وفای به عهد و پرداخت به‌موقع دین تأکید فراوان شده است^{۱۰}، لکن برخی از مشتریان با توجه به شرایط اقتصادی موجود، به‌رغم تمایل

۹. این ماده مقرر می‌دارد: «مؤسسه اعتباری موظف است در مورد مشتریان بدحسابی که مجموع بدهی غیرجاری آنها در تمام مؤسسات اعتباری بیش از پانزده درصد مانده بدهی (شامل اصل و سود تسهیلات) باشد تا تسویه تمام بدهی غیرجاری موارد زیر را اعمال نماید:

۱- دریافت وجه التزام تأخیر تأدیه دین، به‌موجب قانون الحاق دو تبصره به ماده ۱۵ قانون عملیات بانکی بدون ربا؛ ۲- عدم اعطای هرگونه تسهیلات (اعم از ارزی و ریالی)؛ ۳- عدم گشایش اعتبارات اسنادی به استثناء مواردی که مشتری معادل صد درصد مبلغ اعتبار گشایش شده را به عنوان پیش‌پرداخت تأمین نماید؛ ۴- عدم تحویل دسته چک و افتتاح حساب جاری جدید».

۱۰. آیه ۲۸۲ سوره بقره: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هر گاه برخی از شما (به وسیله قرض یا نسیه) به برخی دیگر بدهکار شدید که باید آن را تا وقتی معین بپردازید، آن را بنویسید... و از حساب و کیفر خدا، پروردگار خود، بترسید و به هنگام املاء چیزی از آن نگاهید».

به پرداخت بدهی‌های خویش، به دلایل غیرارادی قدرت بازپرداخت در سررسیدهای تعیین شده را ندارند و در صورت مساعدت بانک می‌توانند به شکل تدریجی بدهی خود را پرداخت کنند.^{۱۱} لکن در این راستا، بانک‌ها برای انجام این عملیات و امهال تسهیلات معوق بانکی با مجموعه‌ای از چالش‌های حقوقی مواجه خواهند بود. از جمله مهم‌ترین چالش‌های پیش روی بانک در جهت امهال تسهیلات معوق بانکی، در پاسخ به این سؤال نهفته است که آیا بانک‌ها می‌توانند تسهیلات معوق را در قالب عقد نامعین (تابع ماده ۱۰ قانون مدنی) امهال کنند و در مقابل از متقاضی امهال سود دریافت دارند؟

لازم است برای پاسخ به پرسش پیش‌گفته، قائل به تفکیک در عقود مبادله‌ای و مشارکتی شویم:

در تسهیلات عقود مبادله‌ای (فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، مرابحه، سلف، جعاله، استصناع و خرید دین) به محض انعقاد قرارداد تسهیلات، ذمه‌گیرنده تسهیلات در مقابل بانک مشغول و وی بدهکار بانک خواهد بود (به عبارت دیگر، رابطه بانک با تسهیلات‌گیرنده رابطه‌ای دینی است) و وی متعهد است اقساط را در سررسید به بانک پرداخت کند. اگر در پرداخت به‌موقع تأخیر نماید، متعهد است وجه التزام تأخیر را که معادل نرخ سود تسهیلات به‌علاوه ۶ درصد سالیانه آن است در حق بانک پرداخت نماید. حال اگر وام‌گیرنده به هر دلیل (اعم از ارادی و غیر ارادی) قادر به بازپرداخت به‌موقع یک یا چند قسط از اقساط تسهیلات نباشد و از بانک تقاضا کند تا برای اقساط معوق به او مهلت دهد، در صورتی که بانک با امهال تسهیلات بدون اینکه بابت مهلت سود یا مبلغی اضافی أخذ کند موافقت نماید، از نظر شرعی فاقد ایراد است؛ لیکن در عمل از آنجا که بانک‌ها نماینده و وکیل سپرده‌گذاران هستند، حق ندارند وجوه متعلق به سپرده‌گذاران یا سهام‌داران را بدون سود به دیگری تسهیلات بدهند. لذا در راستای رفع مشکل یادشده و رعایت مصلحت و غبطه سپرده‌گذاران، چاره‌ای جز امهال تسهیلات معوق به انضمام دریافت سود در قبال مهلت اعطاشده ندارند؛ امری که از مصادیق ربا بوده، از جنبه شرعی حرام و از نظر قانونی

۱۱. مصطفی، السان و محمد، نوروزیان، «ماهیت فقهی- حقوقی استمهال معوقات بانکی»، پژوهش‌نامه میان‌رشته‌ای فقهی، ش ۱ (۱۳۹۱)، ص ۱۰۸.

جرم است.^{۱۲} توضیح آنکه هرگاه توافق طلبکار و بدهکار بر «افزایش مبلغ دین و بدهی در مقابل تمدید مهلت بازپرداخت» (ناشی از هر قراردادی اعم از قرض و غیر قرض) باشد، ربا تلقی می‌شود^{۱۳}؛ برای مثال، اگر بانک و وام‌گیرنده در عقد فروش اقساطی یا سایر عقود مبادله‌ای توافق کنند، اقساط تسهیلات از ۲۴ ماه به ۳۶ ماه افزایش یابد و در عوض، سود یکساله تسهیلات به مبلغ بدهی اضافه شود، از مصادیق ربا خواهد بود.^{۱۴} در همین خصوص، امام خمینی (ره) بیان داشته‌اند: «در عدم جواز تأجیل ثمن حال، بلکه مطلق دین به زیادتر بحثی نیست؛ زیرا همانند زیادتی در قرض ریاست و دلیل آن افزون بر صدق ربا، روایاتی است که در شأن نزول آیه‌ی احل الله البیع و حرم الربا رسیده و طبق آن‌ها آیه درباره‌ی زیادتی مال در مقابل تأخیر در دین حال نازل شده و روایاتی که طبق آن امام باقر (ع) در تأجیل و تعجیل دین به آیه‌ی ربا تمسک می‌کنند»^{۱۵}. دلیل تحریم ربا، ظلم ستیزی و عدالت خواهی است تا از مصادره و استثمار اموال دیگران جلوگیری شود. این فلسفه‌ی تحریم ربا به وضوح در ماده ۱ قانون عملیات بانکی بدون ربا با عبارت «استقرار نظام پولی و اعتباری بر مبنای حق و عدل با ضوابط اسلامی...» تصریح شده و آزادی افراد را در انعقاد قراردادهای بانکی تقیید زده و آن را محدود به انعقاد صحیح معامله‌ی بانکی کرده است.^{۱۶}

لذا ضروری می‌نماید برای امهال تسهیلات معوق بانکی، قالب‌هایی ارائه شود تا ضمن متابعت از خواست متقاضی (امهال تسهیلات معوق) و بانک (دریافت سود)، جنبه‌های حقوقی و شرعی مسئله نیز رعایت گردد.

امهال تسهیلات عقود مشارکتی (مشارکت مدنی، مضاربه، مزارعه، مساقات) وضعیت حاد تسهیلات عقود مبادله‌ای را ندارد، زیرا برخلاف تسهیلات مبادله‌ای، وام‌گیرنده در تسهیلات

۱۲. البته چنین دیدگاهی مطابق نظر مشهور حقوق دانان از مصادیق ربا محسوب شده و ممنوع است؛ لکن در کنار این نظر اکثریت، اقلیتی قائل به صحیح بودن اخذ سود در برابر امهال تسهیلات بانکی با استناد به قاعده «للاجل قسط من الثمن» می‌باشند.

۱۳. محمد، رشیدرضا، تفسیر المنار، ج ۳، (بیروت: دار الاحیاء التراث العربی، بی تا)، صص ۱۱۳ و ۱۱۴.

۱۴. وهاب، قلیچ، «۹ تصور اشتباه درباره‌ی ربا».

<<https://mbri.ac.ir/Default.aspx?pagename=islamicbankingpages&id=272498&Language=1>>

۱۵. روح‌الله، خمینی، تحریر الوسیله، ج ۵، (تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۹)، صص ۵۲۷-۵۲۹.

۱۶. مصطفی، حاجی پور و عیسی، صفرپور سدهی، «بررسی سود در تسهیلات مشروط بانکی»، نشریه‌ی مطالعات حقوقی معاصر (فقه و حقوق اسلامی سابق) ش ۱۱ (۱۳۹۴)، ص ۱۱۳

مشارکتی بدهکار بانک نیست، بلکه بانک و گیرنده تسهیلات شریک محسوب می‌شوند. به عبارت دیگر، رابطه بانک با سهم‌الشرکه در مشارکت مدنی و سرمایه نقدی در مضاربه، زمین در مزارعه و درخت در مساقات، رابطه عینی است. لذا مهلت دادن به شریک در ازای افزایش حصه مشاع از سود، مشکل شرعی و حقوقی ندارد و تحقق ربا در این فرض با انتفای رابطه دینی منتفی است. در واقع، مطابق مقررات قانون مدنی، هر یک از شرکا به نسبت سهم خود (آورده اولیه) در نفع و ضرر سهیم هستند^{۱۷}؛ یعنی اصولاً نحوه تقسیم سود در شرکت مدنی بر اساس میزان مالکیت شرکا در مال مشاع است^{۱۸}، مگر اینکه برخلاف آن با هم توافق کرده باشند^{۱۹}. لکن در تسهیلات عقود مشارکتی با چالش دیگری روبه‌رو هستیم؛ با استناد به ظاهر ماده ۹-۱ دستورالعمل نحوه امهال مطالبات غیرجاری مؤسسات اعتباری، شرط امهال تسهیلات از طریق تمدید مدت این است که «موضوع عقد تا سررسید انجام نشده و به اتمام نرسیده باشد». حال آیا در مواردی که موضوع مشارکت مدنی به اتمام رسیده، ولیکن به دلایل مختلف موضوع مشارکت به فروش نمی‌رود تا سود حاصله شناسایی و به نسبت آورده و توافق تقسیم شود و گیرنده تسهیلات تقاضای مهلت برای فروش موضوع مشارکت یا کالاهای مورد مضاربه را می‌نماید، آیا تمدید مهلت در قبال افزایش سود صحیح است؟ پاسخ به این پرسش مستلزم تحلیل مواد دستورالعمل پیش‌گفته و تفسیر قصد مشترک طرفین قرارداد است که در ادامه خواهد آمد.

همچنین اصولاً به هنگام پرداخت تسهیلات، وثیقه‌هایی از جمله اسناد تجاری (چک و سفته) سند رهنی (مال منقول یا غیرمنقول یا سهام) یا سپرده نقدی و یا ضمانت اشخاص حقیقی یا حقوقی (ضامن) از گیرنده اخذ می‌شود تا در صورت تأخیر یا عدم انجام تعهدات از

۱۷. ماده ۵۷۵ قانون مدنی

۱۸. سید محمدکاظم، طباطبایی، عروه الوثقی، ج ۵، (قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۲۰ ق)، صص ۱۸۲ و ۱۸۳.

۱۹. اگرچه از ظاهر ماده ۵۷۵ قانون مدنی چنین استنباط می‌شود که شرط سود بیشتر بدون عمل، از مصادیق اکل مال به باطل است و صحیح نیست، لکن به نظر می‌رسد مبنای سود اضافه، شرط و توافق قانونی و مشروع طرفین و شمول آیه شریفه «تجاره عن تراض» است؛ لذا ظاهر ماده ناظر به مورد غالب است و ضرورتی ندارد سود زیادتیر در مقابل کار اضافی باشد. در این زمینه، توجه به قصد مشترک طرفین نیز کارساز است. برای مطالعه بیشتر در این زمینه، ر.ک. سید محمد مهدی، قبولی درافشان و سعید، محسنی، «تأملی فقهی - حقوقی بر ماده ۵۷۵ قانون مدنی»، مجله مطالعات اسلامی؛ فقه و اصول، دوره ۴۳، ش ۸۷ (۱۳۹۰)، صص ۱۸۵-۲۱۶.

جانب وی، بانک از نظر قانونی بتواند به وسیله آنها به مراجع قانونی متوسل شود و حقوق خود را از محل آنها استیفا نماید. لذا ضروری است وثایق تسهیلات به تبع امهال، اصلاح گردد. چالشی که در اینجا مطرح می‌شود نحوه اصلاح وثایق و تضامین اخذ شده از متقاضی به تبع امهال می‌باشد که لازم است در این زمینه نیز راه‌حل‌های قانونی اصلاح و تکمیل وثایق از جمله اسناد تجاری و رهنی ارائه گردد.

۲. راهکارهای امهال تسهیلات معوق بانکی؛ پاسخی به چالش‌های موجود

لازم است یادآور شویم که امهال تسهیلات بانکی به‌طور کلی به دو روش «بقای قرارداد اولیه تسهیلات» و «تبدیل قرارداد اولیه به قراردادی دیگر» انجام می‌پذیرد. بقای قرارداد اولیه در قالب «تقسیم» و «تمدید» صورت می‌گیرد و تبدیل قرارداد به شیوه «تجدید عقد اولیه» و «تبدیل به عقود دیگر» میسر می‌شود. لکن در این راستا، ضروری است روش‌های امهال تسهیلات عقود مبادله‌ای و مشارکتی به صورت مجزا مورد بحث قرار گیرد؛ زیرا همان‌طور که بیان شد در عقود مبادله‌ای، گیرنده تسهیلات بدهکار بانک است (رابطه دینی)، ولی در عقود مشارکتی، وام‌گیرنده بدهکار بانک نیست، بلکه بانک و گیرنده تسهیلات شریک محسوب می‌شوند. رابطه بانک با سهام‌الشرکه در مشارکت مدنی و سرمایه نقدی در مضاربه و زمین در مزارعه و درخت در مساقات، رابطه عینی است. حال اگر گیرنده تسهیلات قادر به پرداخت اقساط تسهیلات در عقود مبادله‌ای یا اصل و سود در سررسید در عقود مشارکتی نباشد و از بانک تقاضای مهلت نماید، اصولاً بانک‌ها نمی‌توانند با دریافت سود با تقاضای تمدید مهلت موافقت کنند، چراکه افزایش مبلغ دین برای تمدید مهلت از مصادیق بارز ربا محسوب می‌شود. اما این ابهام در عقود مشارکتی کمتر جلب توجه می‌کند، زیرا گیرنده تسهیلات بدهکار بانک نیست و مهلت دادن به وی از مصادیق ربا نخواهد بود؛ لیکن ضروری می‌نماید که با ارائه راهکارهایی یکسان جهت امهال تسهیلات عقود مشارکتی، رویه‌ای واحد در این خصوص در سیستم بانکی کشور ایجاد شود.

با ذکر عمومات بحث موردنظر، به معرفی روش‌های امهال معوقات بانکی به‌طور کلی خواهیم پرداخت. در این راستا و بنابر تفاوت‌های یادشده در قسمت قبل در خصوص رابطه حقوقی بانک و گیرنده تسهیلات در عقود مبادله‌ای و مشارکتی، در این قسمت راهکارهای

امهال تسهیلات معوق بانکی به تفکیک در این دو دسته از عقود بیان می‌شود. همچنین روش‌های مشترک بین هر دو گروه نیز ارائه خواهد شد.

۲.۱. روش‌های امهال تسهیلات عقود مبادله‌ای

تسهیلات عقود مبادله‌ای را در سیستم بانکی می‌توان به یکی از روش‌های زیر امهال نمود:

۲.۱.۱. بقای عقد و پرداخت اقساط معوق (تقسیم مجدد)

در این روش، عقد منشأ تسهیلات با تمام شرایط و وثایق به قوت خود باقی است و قسمتی از مبلغ قرارداد که «سررسید گذشته» یا «معوق» است، تسویه و بروزرسانی می‌شود. به عبارت دیگر، بدهکار می‌تواند اقساط معوق را با توافق با بانک به صورت یکجا یا اقساطی پرداخت و تسهیلات را بروزرسانی نماید و اقساط آتی را نیز در سررسید خود بپردازد. برای دستیابی به این مهم چند روش قابل تصور است:

الف) گیرنده تسهیلات همه اقساط معوق را یکجا پرداخته، پرونده به سرفصل جاری منتقل شود. شاید در ابتدا این‌گونه به نظر برسد که این روش، امهال به معنای خاص کلمه نبوده، در آن مهلتی جهت بازپرداخت اقساط معوق اعطا نمی‌شود، لکن باید توجه داشت که به تأخیر در پرداخت هر قسط تا ۱۸ ماه، صرفاً وجه التزامی معادل نرخ تسهیلات به علاوه ۶ درصد تعلق می‌گیرد، ولی بعد از ۱۸ ماه و انتقال تسهیلات به «طبقه مشکوک الوصول»، همه اقساط آینده نیز دین حال محسوب می‌شود و وجه التزام به تمام مانده بدهی تعلق می‌گیرد و بانک می‌تواند وثایق را به نسبت کل بدهی پیگیری حقوقی نماید. بنابراین با توجه به مراتب یادشده، در صورتی که بدهکار بدهی خود ناشی از اقساط معوق را به صورت یکجا پرداخت کند، می‌تواند اقساط آتی را در سررسیدهای مقرر بپردازد (در اصطلاح بانکی گفته می‌شود اقساط معوق به‌روزرسانی شده) و بانک مانده تسهیلات را از سرفصل معوق به سرفصل جاری منتقل می‌نماید. لذا در رویه بانکی این روش نیز به‌عنوان روش امهال تسهیلات معوق به کار گرفته می‌شود.

ب) اقساط معوق در قالب قرض الحسنه تسویه و پرونده به سرفصل جاری منتقل شود.

در مواردی که وام‌گیرنده توان بازپرداخت یکجای اقساط معوق را ندارد، بانک با درخواست تسهیلات‌گیرنده به ایجاد پرونده تسهیلات قرض‌الحسنه جدید اقدام، اقساط معوق را از محل تسهیلات جدید تسویه، و مانده بدهی را به سرفصل طبقه جاری منتقل می‌کند، به عبارت دیگر، تسهیلات سابق، تسویه و تسهیلات جدیدی با نرخ و شرایط جدید در قالب قرض‌الحسنه ایجاد می‌شود که وثایق تسهیلات سابق به‌عنوان وثیقه تسهیلات جدید در نظر گرفته می‌شود و شرایط بازپرداخت تسهیلات جدید مطابق شرایط مقرر میان تسهیلات‌گیرنده و بانک است. لذا در صورتی که وام‌گیرنده توان تسویه یکجای اقساط معوق را نداشته باشد، می‌تواند بدهی خود را به صورت اقساطی و در قالب تشکیل پرونده قرض‌الحسنه پرداخت کند.

ج) کل اقساط معوق به‌طور مساوی به اقساط مانده اضافه شود و پرونده به سرفصل جاری منتقل گردد.

د) کل اقساط معوق با اقساط مانده جمع و بدون أخذ سود تقسیط شود، به‌طوری که تعداد اقساط بیشتر از تعداد اقساط مانده باشد و پرونده به سرفصل جاری منتقل شود.

در این نوع امهال، از آنجایی که هیچ تغییری در رابطه حقوقی بین بانک و گیرنده تسهیلات حاصل نمی‌شود، قاعدتاً نیاز به تغییر و اصلاح وثایق اخذشده نیست؛ لیکن در مورد اسناد تجاری (چک و سفته) از آنجایی که بر برگشت آنها آثار حقوقی مترتب است و در صورت عدم اقدام در مواعد معین، حقوق دارنده آنها مشمول مرور زمان می‌شود. اگر چک یا سفته برگشت خورده است، باید چک و سفته جدید أخذ و چک و سفته برگشت‌خورده به صادرکننده مسترد شود.

این روش در دستورالعمل نحوه امهال مطالبات مؤسسات اعتباری تحت عنوان تقسیط بیان شده است. طبق ماده ۱-۸ دستورالعمل، تقسیط مجدد عبارت است از «وصول مطالبات مؤسسه اعتباری از مشتری در قالب اقساط مشخص جدید در ادامه قرارداد فعلی». البته در ماده ۱۲ دستورالعمل، در جهت بیان امهال تسهیلات عقود مبادله‌ای به روش تقسیط مجدد، صرفاً روش‌های بند «ج» و «د» پیش‌بینی شده است، شاید روش بند «الف» و «ب» به

دلیل وضوح بیان نشده، لیکن شایسته بود برای تکمیل دستورالعمل بر دو روش «الف» و «ب» نیز تصریح می‌شد.

۲.۱.۲. أخذ وجه التزام و عدم اقدام حقوقی

در این روش، بانک و گیرنده تسهیلات توافق می‌کنند که بانک تا یک سال اقدام قضایی نکند و وثایق را به اجرا نگذارد و در مقابل، گیرنده وام وجه التزام اقساط معوق یا حال شده خود را در حق بانک پرداخت نماید. در این روش، نرخ تسهیلات همان نرخ قبلی و مدت تسهیلات معادل مانده اقساط آتی (یا در صورت توافق طرفین مدت بیشتری) خواهد بود. شایان توجه است در این موضوع با استناد به مقررات حقوقی امکان تعیین وجه التزام بالاتر از نرخ تورم وجود ندارد و رأی وحدت رویه ۷۹۴ مورخ ۲۱ مرداد ۱۳۹۹ دیوان عالی کشور مبنی بر اینکه قراردادهای بانکی تحت تأثیر قواعد آمره و مبنای حقوق عمومی هستند نیز مؤید همین نظر است. بنابراین اگرچه دیوان عالی کشور در رأی وحدت رویه ۸۰۵ مورخ ۱۶ دی ۱۳۹۹ اعلام می‌دارد: «...مبلغ وجه التزام تعیین شده در قرارداد، حتی اگر بیشتر از شاخص قیمت‌های اعلامی رسمی (نرخ تورم) باشد، در صورتی که مغایرتی با قوانین و مقررات امری از جمله مقررات پولی نداشته باشد، معتبر و فاقد اشکال قانونی است»، لکن به نظر می‌رسد با استناد به قسمت اخیر این رأی، بانک‌ها مشمول قواعد آمره پولی بوده، از شمول این رأی خارج‌اند.

با عنایت به اینکه در این نوع امهال، عقد منشأ تسهیلات، با تمام آثار و وثایق، به قوت و اعتبار خود باقی می‌ماند، نیازی به اصلاح یا تغییر وثایق تسهیلات نیست؛ مگر استثنای یادشده در مورد اسناد تجاری.

به این روش عیناً در ماده ۱۱ دستورالعمل اشاره شده است.^{۲۰}

۲۰. این ماده مقرر می‌دارد: «موافقت مؤسسه اعتباری با درخواست مشتری مبنی بر صرف نظر کردن از اقدامات اجرایی و حقوقی جهت وصول مطالبات خود برای دوره مشخص (حداکثر برای یک سال) با رعایت کلیه مفاد قرارداد از جمله تعلق وجه التزام تأخیر تأدیه دین برای دوره مزبور بلامانع است.»

۲.۱.۳. اقاله عقد منشأ تسهیلات

امهال تسهیلات عقود مبادله‌ای به روش اقاله به این معناست که طرفین در جهت امهال تسهیلات، عقد اولی را اقاله (عوضین به مالک قبلی بازمی‌گردد) و همان موضوع معامله را مجدداً در قالب عقد اولی (تجدید عقد) یا عقود دیگر (تبدیل عقد) به گیرنده واگذار کنند^{۲۱}؛ برای نمونه، ۱۰۰ میلیون تومان در قالب فروش اقساطی با نرخ ۱۸ درصد و ۶۰ ماهه با عنوان تسهیلات به شخصی داده شده است^{۲۲}. حال اگر گیرنده تسهیلات مثلاً ۱۲ فقره قسط را نپرداخته باشد و از بانک تقاضای امهال کند، فروشنده (بانک) و خریدار (وام‌گیرنده) باهم توافق می‌کنند که عقد فروش اقساطی را اقاله نمایند. پس از اقاله، موضوع قرارداد مجدداً به ملکیت بانک و مبالغ اقساطی پرداختی به ملکیت وام‌گیرنده بازمی‌گردد و چون بانک مالک موضوع قرارداد می‌شود، می‌تواند آن را مجدداً به وام‌گیرنده با همان عقد یعنی منشأ تسهیلات (تجدید عقد) یا سایر عقود بانکی (تبدیل عقد) با ثمن جدید که معادل اصل و سود تسهیلات قبلی است، واگذار کند و مبالغ و اقساط پرداختی وام‌گیرنده را بابت قسمتی از ثمن جدید محاسبه نماید. در این صورت، هم بانک به مقصود خود که امهال همراه با أخذ سود است، رسیده (لکل اجل قسط من الثمن) و هم مشکل شرعی ربوی بودن معامله مرتفع شده است.

با انحلال قرارداد، تسهیلات و به تبع آن، وثایق از بین رفته آزاد می‌شوند و باید برای تسهیلات جدید وثیقه‌های جدید نیز أخذ شود.

تجدید عقد در ماده ۱-۱۰ و تبدیل عقد در ماده ۱-۱۱ دستورالعمل ذکر شده است؛ با این تفاوت که به موجب مواد ۱۹ و ۲۰ این دستورالعمل، شرط اساسی امکان اقاله عقد،

۲۱. خاتمه قرارداد با انقضای مدت در عقود مبادله‌ای (تملیکی) مصداق ندارد، زیرا خاتمه با انقضای مدت خاص عقود اذنی است. همچنین در فرمت‌های قرارداد تسهیلات ابلاغی بانک مرکزی، فسخ پیش‌بینی نشده است؛ زیرا مثلاً در فروش اقساطی بانک به اعتبار درخواست مشتری، کالا یا خدمت را خریده، به مشتری واگذار می‌کند و اگر فسخ در آن پیش‌بینی می‌شد، پس از فسخ قرارداد تسهیلات، مبلغ به ملکیت مشتری و کالاها و خدمات به ملکیت بانک درمی‌آید و این برخلاف هدف و وظیفه اصلی بانک‌ها است.

۲۲. تسهیلات فروش اقساطی به این معنی است که بانک مبلغ ۱۰۰ میلیون تومان را در اختیار مقاضی قرار داده، به او وکالت می‌دهد که بدو موضوع موردنظر را به نام بانک با بیع نقد خریداری کند و سپس به وکالت از بانک به خود به صورت اقساطی بفروشد.

موجودیت عین مال بیان شده و در صورتی که عین مال تلف واقعی یا حکمی شده باشد، امکان اقاله عقد وجود ندارد. در واقع، مطابق قانون مدنی، هر قراردادی با توافق طرفین عقد قابل اقاله است؛ حتی اگر موضوع عقد تلف حکمی یا واقعی شده باشد. لذا در اثر اقاله اگر موضوع معامله در ید خریدار موجود باشد، به ملکیت فروشنده و ثمن به ملکیت خریدار برمی‌گردد و اگر موضوع معامله تلف (حکمی یا واقعی) شده باشد، در صورتی که موضوع معامله مثلی باشد، مثل و اگر قیمی باشد، قیمت آن به ملکیت فروشنده درمی‌آید.^{۳۳} اما قانون‌گذار در دستورالعمل ابلاغی، اقاله قرارداد تسهیلات مبادله‌ای را زمانی ممکن دانسته که عین مورد معامله در عقود فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، مرابحه و استصناع وجود داشته باشد و در عقود مرابحه خدماتی و جعاله، موضوع خدمت به پایان نرسیده باشد. بنابراین اگر در عقود مبادله‌ای یادشده مورد معامله تلف (حکمی یا واقعی) یا انجام شده باشد، امکان امهال از طریق تجدید عقد وجود ندارد.^{۳۴} به نظر می‌رسد از نظر عملی تمسک به روش مطرح‌شده در قانون مدنی جهت اقاله عقد، ولو زمانی که موضوع عقد تلف حکمی یا واقعی شده باشد، مناسب‌تر است؛ زیرا در صورتی که با استناد به دستورالعمل، اقاله تسهیلاتی را که موضوع عقد در آن‌ها تلف شده است امکان‌پذیر ندانیم، عملاً در امهال برخی تسهیلات به بن‌بست خواهیم خورد و تسهیلات‌گیرندگان را بدون توجیه حقوقی از این روش امهال منع خواهیم کرد؛ در صورتی که این مسئله با موازین کلی حقوقی مخالفتی ندارد. لذا رویکرد دستورالعمل در این موضوع قابل انتقاد بوده، نیاز به اصلاح دارد.

۲.۲. روش‌های امهال تسهیلات عقود مشارکتی

امهال تسهیلات عقود مشارکتی به‌ویژه مشارکت مدنی و مضاربه به یکی از روش‌های زیر صورت می‌گیرد:

۳۳. ماده ۲۸۶ قانون مدنی

۳۴. ماده ۱۹- امهال مطالبات ناشی از تسهیلات اعطایی در قالب عقود فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، مرابحه (کالایی) و استصناع با استفاده از تجدید قرارداد در صورتی مجاز است که عین مال/کالای موضوع قرارداد موجود بوده و حصول انتفاع از اموال و کالا در آینده ممکن باشد.

ماده ۲۰- امهال مطالبات ناشی از تسهیلات اعطایی در قالب عقود جعاله و مرابحه (خدماتی) با استفاده از تجدید قرارداد در صورتی مجاز است که انجام خدمت موضوع قرارداد به اتمام نرسیده و به تشخیص مؤسسه اعتباری بخش قابل‌توجهی از آن باقی مانده باشد

۲.۲.۱. تمدید مدت

از منظر رویه بانکی، امهال تسهیلات مشارکتی در قالب تمدید مدت به این معناست که عقد منشأ پرداخت تسهیلات با تمام ارکان و شرایط خود باقی است و صرفاً مدت عقد افزایش می‌یابد.^{۲۵} البته طبق ماده ۱۵ دستورالعمل در تمدید عقود مشارکتی، علاوه بر افزایش مدت می‌توان میزان سهم‌الشرکه و نسبت سود و زیان را تغییر داد^{۲۶} و به این وسیله قانون‌گذار رفع ابهام نموده است که در تمدید مدت صرفاً مدت قرارداد قابل افزایش نیست، بلکه امکان تغییر در سایر ارکان عقد نیز وجود دارد.

با توجه به افزایش مدت تسهیلات، اگر وثیقه به صورت سند رهنی است، باید متمم سند رهنی تنظیم شود و همچنین چک و سفته سابق مسترد گردد و اسناد تجاری جدید مطابق با مهلت اعطاشده دریافت شود.

روش امهال تسهیلات عقود مشارکتی در قالب تمدید عقد در ماده ۱-۹ دستورالعمل نامبرده آمده است. به صراحت این ماده شرط اعمال روش یادشده این است که «موضوع عقد تا سررسید انجام نشده و به‌تمام نرسیده باشد». بنابراین با توجه به ظاهر ماده باید قائل باشیم که اگر موضوع عقود مشارکتی در زمان قرارداد خاتمه یافته باشد، ولی به دلایل مختلف امکان فروش مال مشاع نبوده تا پس از فروش سود و زیان تقسیم شود، امکان تمدید عقد هم وجود نخواهد داشت. این امر با ایجاد محدودیت برای بانک‌ها در اعمال روش تمدید مدت، قابل انتقاد به نظر می‌رسد و بانک‌ها را در این موارد با چالش جهت امهال تسهیلات مواجه می‌کند. لذا با تحلیلی موسع می‌توان از این چالش عبور کرد. در واقع، می‌توان گفت موضوع مشارکت مدنی یا مضاربه، «تولید و فروش» بوده و تا زمانی که فروش محقق نشده باشد، گویی که موضوع قرارداد خاتمه نیافته است؛ به‌ویژه در مضاربه این‌گونه است که عامل باید با سرمایه نقدی بانک کالا بخرد و بفروشد و پس از فروش سود بانک را بپردازد.

۲۵. طبق ماده ۱۵ دستورالعمل نحوه امهال مطالبات مؤسسات اعتباری، در تمدید عقود مشارکتی علاوه بر افزایش مدت می‌توان میزان سهم‌الشرکه و نسبت سود و زیان را تغییر داد.

۲۶. ماده ۱۵- در تمدید قرارداد مشارکت مدنی، مؤسسه اعتباری و مشتری می‌توانند درخصوص مفاد دیگر قرارداد از جمله میزان سهم‌الشرکه پرداختی، نسبت تقسیم سود و وثایق مأخوذه توافقات جدیدی نمایند.

۲.۲.۲. تجدید عقد

در روش امهال تسهیلات عقود مشارکتی به روش تجدید عقد با اقاله یا فسخ یا خاتمه قرارداد سابق، قرارداد جدیدی از همان نوع و بر روی همان موضوع منعقد می‌شود که علاوه بر تغییر رکن مدت، سهم‌الشرکه بانک نیز افزایش می‌یابد؛ یعنی سود سال قبل محاسبه و به اصل تسهیلات اضافه می‌شود و اصل و سود تسهیلات یک‌ساله به‌عنوان سهم‌الشرکه بانک در سال بعد در نظر گرفته می‌شود و به این وسیله سود سال آینده به مجموع اصل و سود تسهیلات قبل تعلق می‌گیرد. درحالی که اگر صرفاً مدت اضافه می‌شد، سود سال بعد به اصل مبلغ تسهیلات پرداختی تعلق می‌گرفت. در این صورت با انعقاد قرارداد جدید از همان نوع، دو رکن عقد قبلی تغییر می‌کند: الف) مدت عقد؛ ب) سهم‌الشرکه و آورده طرفین. برای مثال، چنانچه مبلغ ۱۰۰ میلیون تومان با نرخ ۱۸ درصد و در قالب مشارکت مدنی به مدت ۱۲ ماه پرداخت شده باشد و گیرنده تسهیلات در سررسید قادر به استرداد اصل و سود مشارکت نباشد و درخواست مهلت نماید، بانک می‌تواند دو رکن مدت و سهم‌الشرکه را افزایش دهد؛ و از آنجایی که محاسبه سود تسهیلات در عقود مشارکتی با روش مدت تسهیلات * نرخ تسهیلات * مبلغ تسهیلات انجام می‌پذیرد، با افزایش دو رکن پیش‌گفته سود

۱۲۰۰

بیشتری نصیب بانک می‌شود.

البته شایان ذکر است که اعمال روش تجدید عقد در عقد مضاربه امکان‌پذیر نیست، زیرا اولاً در سررسید تسهیلات، عامل نتوانسته با سرمایه موردنظر به تجارت بپردازد و کالاهای خریداری شده را به فروش برساند و پس از خاتمه قرارداد، کالاهای موضوع مضاربه متعلق به بانک است و چون رکن اصلی انعقاد قرارداد مضاربه عبارت است از اینکه سرمایه وجه نقد باشد و در قضیه موردبحث سرمایه بانک کالا است، امکان تجدید قرارداد مضاربه وجود ندارد؛ برخلاف تسهیلات مشارکت مدنی که شرط و رکن اصلی آن وجود مال مشاع در عالم خارج بوده، این امر با فسخ یا اقاله یا خاتمه قرارداد مشارکت مدنی محقق می‌شود.

ثانیاً در سررسید تسهیلات، عامل نتوانسته با سرمایه موردنظر به تجارت بپردازد و سود حاصل نماید، به همین علت تقاضای امهال کرده است. حال آیا می‌توان گفت به میزان سود

فرضی محاسبه شده به مبلغ اصل سرمایه افزوده شود؟ در عقد مضاربه باید سرمایه به صورت وجه نقد باشد وگرنه معامله مضاربه نخواهد بود^{۲۷}؛ بنابراین سود هنوز به وجه نقد تبدیل نشده، درحالی که صحت عقد مضاربه به وجه نقد بودن سرمایه است^{۲۸}.

با توجه به اینکه وثیقه‌ها و تضمین‌ها از جمله توابع عقد مشارکتی قبلی هستند، لذا با تسویه تسهیلات مشارکتی سابق، وثایق و تضمین‌های آن نیز آزاد می‌گردد و باید برای تسهیلات جدید، وثایق جدید اخذ شود.

در دستورالعمل اجرایی نحوه امهال مطالبات مؤسسات اعتباری، اگرچه در ماده ۱-۱۰ روش تجدید عقد تعریف شده، لکن در ماده ۱۴ که روش‌های امهال تسهیلات عقود مشارکتی برشمرده شده، به تجدید عقد اشاره‌ای نشده است که پیشنهاد می‌شود در اصلاحات بعدی قانون مورد توجه قرار گیرد.

۳.۲.۲. تبدیل عقد

در تسهیلات عقود مشارکتی رابطه بانک با مال موضوع عقد رابطه‌ای عینی است؛ یعنی بانک مالک مشاعی مال موضوع عقد است و طبق قاعده تسلیط می‌تواند هر دخل و تصرفی در آن انجام دهد. برای مثال، در مشارکت مدنی در ساخت ساختمان، ساختمان به صورت مال مشاع در عالم خارج در ملکیت مشاعی بانک و شریک است؛ به این معنا که هر جزئی از آن را در نظر بگیریم، متعلق به بانک و شریک است و تمام احکام و مقررات مال مشاع بر آن بار می‌شود^{۲۹}. حال اگر در مثال پیش گفته، گیرنده تسهیلات (شریک) در سررسید به علت اینکه موضوع مشارکت به اتمام رسیده، ولی هنوز به فروش نرفته تا اصل سرمایه و سود بانک را پرداخت نماید، درخواست مهلت کند، بانک می‌تواند با انعقاد یک عقد تسهیلاتی جدید، بدهی قبلی مدیون را تسویه نماید^{۳۰}. در نتیجه، می‌توان گفت در تسهیلات

۲۷. ماده ۵۴۷ قانون مدنی در این زمینه بیان می‌دارد: «سرمایه باید وجه نقد باشد».

۲۸. دین در ذمه، منافع و کالا مشمول عنوان نقد نیستند (امیرناصر، کاتوزیان، عقود معین، ج ۲، (تهران: گنج دانش، چ ۸، ۱۳۸۸)، ش ۶۱.

۲۹. سهم شرکا از لحاظ حقوقی حصه معین، اما از لحاظ مادی تمام مال است.

۳۰. مصطفی، السان و محمد، نوروزیان، پیشین، ص ۱۲۹.

مشارکتی (به معنای خاص یا عام) بانک می‌تواند در سررسید سهم‌الشرکه خود از مال مشاع را در قالب سه عقد فروش اقساطی یا مرابحه و یا اجاره به شرط تملیک به شریک واگذار کند و در این صورت هم تسهیلات معوق مشتری امهال می‌گردد و هم سود موردنظر بانک از امهال تسهیلات در ثمن تسهیلات مبادله‌ای جدید وارد می‌شود.

با تسویه تسهیلات مشارکتی سابق، وثیقه‌ها و تضمین‌های آن نیز آزاد می‌شوند و باید برای تسهیلات جدید، وثایق جدید اخذ گردد.

در ماده ۱-۱۱ دستورالعمل، تبدیل قرارداد این‌گونه تعریف شده است: تبدیل قرارداد فسخ، اقاله و خاتمه قرارداد فعلی و امهال طبق یکی از حالات زیر است:

الف) انعقاد قرارداد جدیدی متفاوت با قرارداد فعلی بین مؤسسه اعتباری و مشتری نسبت به همان موضوع قرارداد؛

ب) انعقاد قرارداد جدیدی از همان نوع قرارداد فعلی بین مؤسسه اعتباری و مشتری نسبت به موضوع متفاوت؛

ج) انعقاد قرارداد جدیدی متفاوت با قرارداد فعلی بین مؤسسه اعتباری و مشتری نسبت به موضوع متفاوت.

مواد ۱-۱۱ و ۱۶ و ۱۷ دستورالعمل در مقام بیان روش تبدیل عقد در امهال تسهیلات عقود مشارکتی، شرط ابتدایی اعمال این روش را، فسخ، اقاله و خاتمه قرارداد فعلی و انعقاد قرارداد متفاوت با قرارداد قبلی بیان می‌کند. البته با توجه به توضیحات یادشده، به نظر نگارندگان مقاله تبدیل عقد مواردی را شامل می‌شود که موضوع معامله با بقای عقد اولیه از طریق عقدی دیگر واگذار می‌شود، زیرا در عقود مشارکتی از آنجایی که بانک مالک سهم‌الشرکه یا کالاهای مورد مضاربه است، طبق قاعده تسلیط می‌تواند آن را به گیرنده تسهیلات در قالب یکی از عقود مبادله‌ای واگذار کند و دیگر نیازی به اقاله، فسخ یا خاتمه قرارداد نیست.

۳.۲. روش‌های امهال مشترک میان تسهیلات عقود مبادله‌ای و مشارکتی

از جمله روش‌های مشترک قابل اعمال برای امهال تسهیلات عقود مبادله‌ای و مشارکتی، اعطای تسهیلات خرید دین و سلف و تهاتر مبلغ بدهی پیشین یا استیفای مبلغ بدهی از محل وثایق تسهیلات هر نوع حق مال دیگر متعلق به مشتری و انتقال مجدد آن به گیرنده تسهیلات است.

۳.۲.۱. پرداخت تسهیلات خرید دین و سلف و تهاتر مبلغ آن با بدهی معوق تسهیلات گیرنده

در تسهیلات خرید دین، طلبکار یا ذی‌نفع اسناد تجاری طلب مدت‌دار خود را به مبلغی کمتر به بانک واگذار می‌کند؛ برای مثال، متقاضی، یک فقره چک به مبلغ ۱۰۰ میلیون تومان به تاریخ ۶ ماه دیگر در اختیار دارد و با مراجعه به بانک تقاضا می‌کند تا طلب مدت‌دار خود را با ۱۸ درصد کاهش به بانک واگذار و مبلغ آن را نقداً دریافت کند. در تسهیلات سلف نیز محصولات و تولیدات واحد تولیدی از سوی بانک پیش‌خرید می‌شود؛ بنابراین با امضای قرارداد، بانک مالک محصولات به صورت کلی فی‌الذمه و فروشنده مالک ثمن یا همان مبلغ تسهیلات می‌شود و طبق قاعده تسلیط می‌تواند هر دخل و تصرفی در آن انجام دهد؛ از جمله دین خود ناشی از اقساط معوق تسهیلات سابق را پرداخت کند. لذا با پرداخت تسهیلات خرید دین و سلف، گیرنده تسهیلات می‌تواند اقساط معوق ناشی از تسهیلات عقود مبادله‌ای یا مشارکتی سابق را با توافق با بانک و از محل مبلغ تسهیلات جدید بپردازد.

از نظر حقوقی، تسهیلات جدید (خرید دین و سلف) هیچ ارتباطی با تسهیلات قبلی ندارد و صرفاً بانک با أخذ إذن و اجازه قبلی، مبلغ تسهیلات را به حساب بدهی قبلی واریز می‌کند. بنابراین برای تسهیلات جدید باید تمام مراحل أخذ تسهیلات از جمله گرفتن وثیقه طبق ضوابط و مقررات صورت گیرد.^{۳۱}

۳۱. نکته حائز اهمیت این است که در تسهیلات خرید دین یا سلف، از آنجایی که بانک از منابع داخلی خود تسهیلات پرداخت می‌کند، باید تمام ضوابط و شرایط پرداخت تسهیلات از جمله اعتبارسنجی، عدم بدهی معوق بانکی و عدم چک برگشتی رعایت شود. ولی در سایر روش‌های امهال، چون تسهیلاتی از منابع بانک پرداخت نمی‌شود، رعایت ضوابط و مقررات بانکی ناظر بر پرداخت تسهیلات ضروری نیست، زیرا اگرچه پرونده جدید تسهیلاتی در بانک تشکیل شود، لیکن در واقع بدهی قبلی امهال می‌شود و وجه جدیدی از منابع بانک پرداخت نشده، مشمول مقررات پرداخت تسهیلات قرار نمی‌گیرد.

به این روش از نظر حقوقی ایراداتی وارد است، از جمله:^{۳۲}

الف) مشهور فقیهان فقط استفاده از اسناد واقعی را قابل تنزیل می‌دانند؛ بنابراین، بانک تنزیل‌کننده باید به واقعی بودن سند اطمینان داشته باشد. به بیان دیگر، اسنادی که مشتری بدون پشتوانه معامله واقعی امضا کرده و در اختیار بانک گذاشته است، اسناد صوری یا دوستانه نامیده می‌شود که تنزیل آن درست نیست و در واقع می‌توان گفت ماهیت دین واقعی ندارد، بلکه همان قرض با رباست.^{۳۳} در دکنترین حقوقی نیز در مورد صحت یا بطلان اعمال این روش، به‌عنوان یکی از روش‌های امهال تسهیلات معوق بانکی نظریات متعدد و گاه متعارضی دیده می‌شود که در آرای دادگاه‌ها و رویه قضایی نیز منعکس شده است؛ دیدگاهی که بر اساس آن قرارداد ثانوی را به جهت نبود قصد واقعی باطل دانسته، به‌علت تسویه نشدن تسهیلات اولیه، بانک را مستحق دریافت طلب خود بر اساس آن قرارداد می‌داند، دارای طرف‌داران فراوانی است.^{۳۴}

ب) بخش عمده‌ای از مشتریان بخش خدمات با توجه به نوع فعالیت، هیچ‌گونه اسناد تجاری ندارند؛ بنابراین، امکان استمهال مطالبات آنها با استفاده از این روش امکان‌پذیر نیست.

ج) بخش عمده‌ای از مطالبات بانک‌ها مربوط به تسهیلات بلندمدت مشتریان است که متقاضیان نیز در این گونه موارد درخواست استمهال میان‌مدت و حتی بلندمدت متناسب با قدرت بازپرداخت خود را دارند که با توجه به کوتاه‌مدت بودن، ابزار خرید دین و سلف ظرفیت لازم را برای این منظور ندارد.

د) به‌نظر می‌رسد استفاده از ابزار خرید دین به‌منظور استمهال بدهی متقاضیان، صدور اسناد غیرتجاری و دوستانه را گسترش داده است که علاوه بر اشکال شرعی، به‌علت صوری

۳۲. سید عباس، موسویان و روح‌الله، غلامی، «بررسی راهکارهای استمهال مطالبات غیرجاری در بانکداری بدون ربا»، فصلنامه روند، ش ۶۳ و ۶۴ (۱۳۹۲)، صص ۱۱۷ و ۱۱۸.

۳۳. سید عباس، موسویان و اکبر کشاورزبان، «طراحی اعتبار در حساب جاری در بانکداری بدون ربا در قالب مشارکت مدنی مشروط»، پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی ج.ا.ایران، (۱۳۹۰)، به نقل از: همان.

۳۴. عباس، کریمی؛ سید ابوالقاسم، نقیبی؛ علیرضا، حسین‌بیگی، «تحلیل رویه‌ی قضایی پیرامون انعقاد قرارداد مشارکت مدنی بانکی به منظور تسویه تسهیلات قبلی»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، ش ۸۲ (۱۳۹۷)، ص ۲۱۵.

بودن، ریسک نکول بالایی دارند.

ه) این ابزار در بخش‌های خدمات و بازرگانی کاربرد ندارد و در بخش تولید نیز بانک‌ها محصولاتی را خریداری می‌کنند که سهل‌البیع باشد، سریع‌الفساد نباشد و از سوی خود فروشنده تولید شود؛ بنابراین، در بخش تولید نیز استفاده از این ابزار با محدودیت‌های جدی روبه‌رو است.

و) با توجه به ریسک تسهیلات سلف از نظر امکان فروش و قیمت محصول در سررسید، معمولاً توصیه می‌شود که از این ابزار به‌عنوان آخرین راهکار در تأمین سرمایه در گردش استفاده شود.

البته با وجود دیدگاه‌های متعدد و متعارض در این موضوع، استفاده از این روش به‌عنوان یکی از روش‌های امهال تسهیلات معوق در بانک‌ها متداول و رایج است و اگرچه دستورالعمل به‌صراحت از این روش جهت امهال تسهیلات عقود مبادله‌ای و مشارکتی نامی نبرده، اما با تطبیق این روش با بند «ج» ماده ۱-۱۱، می‌توان گفت این روش یکی از مصادیق تبدیل عقد است و در دستورالعمل نیز به‌رسمیت شناخته شده است.

۲.۳.۲. تملک وثایق مالی یا واگذاری هرگونه مال یا حقی به بانک، تهاتر آن با بدهی، و واگذاری دوباره آن در قالب یکی از عقود مبادله‌ای

به هنگام پرداخت تسهیلات، وثایقی از گیرنده بابت تضمین بازپرداخت اصل و سود أخذ می‌شود که در سررسید تسهیلات، بانک می‌تواند از طریق آنها اقدام، و حقوق خود را از محل آنها استیفا نماید. حال اگر گیرنده تسهیلات در سررسید از بانک تقاضا نماید که برای پرداخت بدهی مهلتی به او داده شود، در صورتی که مالک وثیقه خود گیرنده باشد، با توافق با وی و در صورتی که مالک وثیقه شخص ثالث باشد، با توافق سه‌جانبه، بانک می‌تواند وثیقه را بر اساس قیمت کارشناس رسمی تملک و ثمن آن را با بدهی ناشی از تسهیلات قبلی تهاتر نماید و یا گیرنده تسهیلات مال یا حقی را به بانک واگذار و از محل ثمن آن بدهی را تسویه کند و مجدداً همان مال (که هم اکنون در ملکیت بانک است) به گیرنده تسهیلات در قالب یکی از عقود مبادله‌ای با مدت و نرخ جدید واگذار شود.

در این روش وثایق تسهیلات قبلی فک و آزاد می‌شوند و باید برای قرارداد تسهیلاتی جدید وثیقه‌های جدیدی اخذ گردد.

همانند روش سابق، اگرچه این روش نیز به‌صراحت در دستورالعمل نحوه امهال مطالبات غیرجاری مورد اشاره واقع نشده، اما قابل تطبیق با بند «ب» ماده ۱-۱۱ به‌عنوان یکی از مصادیق تبدیل عقد است و می‌توان قائل بر این بود که در دستورالعمل نیز به‌رسمیت شناخته شده است.

نتیجه

این نوشتار قائل بر این است که برای تبیین راهکارها و شیوه‌های امهال تسهیلات معوق بانکی باید عقود مبادله‌ای و مشارکتی مبنای اعطای تسهیلات به تفکیک بررسی شوند.

در تسهیلات عقود مبادله‌ای رابطه بانک با تسهیلات‌گیرنده رابطه دینی است؛ در صورتی که بانک همراه با امهال تسهیلات معوق به اخذ سود اقدام نماید، مصداق ربای جاهلی خواهد بود. لذا در این نوشتار قالب‌هایی ارائه شده است تا ضمن متابعت از خواست متقاضی (امهال تسهیلات معوق) و بانک (دریافت سود)، جنبه‌های حقوقی و شرعی مسئله نیز رعایت شود.

در تسهیلات عقود مشارکتی، برخلاف تسهیلات مبادله‌ای، وام‌گیرنده بدهکار بانک نیست، بلکه بانک و گیرنده تسهیلات شریک محسوب می‌شوند. لذا تحقق ربا منتفی است، لکن جهت ایجاد رویه‌ای واحد در سیستم بانکی، قالب‌هایی برای امهال تسهیلات عقود مشارکتی پیشنهاد شده است.

پیشنهادها

- به‌نظر می‌رسد مشکل اصلی را باید در قانون عملیات بانکی بدون ربا جستجو کرد؛ در این قانون اخذ سود فقط در قالب عقود معین مبادله‌ای و عقود مشارکتی جایز شمرده شده و اخذ سود در قالب قرارداد نامعین طبق ماده ۱۰ قانون مدنی پیش‌بینی نشده

است، بنابراین ممکن است در عمل، بسیاری از عقود پرداخت تسهیلات با ایراد صوری و غیرواقعی بودن روبه‌رو شوند. درحالی که اگر بانک و مشتری می‌توانستند توافق کنند که بانک در قبال قبول سپرده و همچنین پرداخت تسهیلات، هر ماه مبلغی معین به عنوان سود به صاحب سپرده پرداخت یا مبلغ معینی به‌عنوان سود دریافت نماید، نیاز به این قالب‌ها در پرداخت تسهیلات و متعاقب آن امهال آنها به روش‌های یادشده در این نوشتار نبود. نهایتاً دلیل فقها برای بطلان چنین عقدی حرمت دریافت ربا است. در واقع، دلیل اینکه أخذ خسارت تأخیر تأدیه در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی از سوی فقهای شورای نگهبان حرام و غیر قانونی اعلام شد، صدق همین نوع از ربا بر مفهوم خسارت تأخیر تأدیه بوده است. بنابراین با توجه به اینکه مشکل أخذ خسارت تأخیر تأدیه پس از مکاتبات طولانی حل‌وفصل شد، پیشنهاد می‌شود این موضوع نیز فیصله پیدا کند تا نیازی نباشد برای امهال عقود مبادله‌ای (که رابطه بانک و گیرنده تسهیلات دینی است) به سراغ قالب‌های ازپیش تعیین‌شده برویم.

- در دستورالعمل ابلاغی بانک مرکزی یک امر مغفول مانده، و آن اینست که امهال تسهیلات عقود مبادله‌ای که مورد معامله تلف واقعی یا حکمی بوده، پیش‌بینی نشده است. لذا پیشنهاد می‌شود ماده‌ای به این دستورالعمل الحاق گردد تا در صورت تلف واقعی یا حکمی موضوع معامله، بانک حق رجوع به مثل یا قیمت آن را داشته باشد و سپس بتواند این حق مالی را با مبلغی معین (شامل بدهی اصلی + سودآینده) به بدهکار واگذار نماید و به این ترتیب، تسهیلات اعطایی امهال گردد.

- ایراد دیگری که به این دستورالعمل وارد است، عدم بیان سازوکار مشخص جهت اعمال روش‌های یادشده در آن است؛ به عبارت دیگر، این دستورالعمل مشخص نکرده که ترتیب اعمال روش‌ها و تقدم و تأخر آنها نسبت به یکدیگر به چه صورت است. برای مثال، گیرنده تسهیلات عقود مبادله‌ای به بانک مربوطه برای امهال تسهیلات معوق خود مراجعه می‌کند؛ کدام روش و با چه شرایطی جهت اعمال تسهیلات معوق او اعمال می‌شود و سازوکار تشخیص روش مناسب و تقدم و تأخر روش‌ها نسبت به هم چگونه است؟ به همین دلیل به‌نظر می‌رسد اعمال روش‌های برشمرده در این نوشتار از سوی بانک‌ها، به صورت دل‌خواهی و خودسرانه و بدون وجود معیار و

ضابطه‌ای جهت اعمال روش مناسب با عقد منشأ تسهیلات انجام می‌شود. لذا پیشنهاد می‌گردد در اصلاحات بعدی دستورالعمل، به این مسئله توجه شود و معیاری برای تشخیص تقدم و تأخر اعمال روش‌ها ارائه گردد؛ برای مثال، نوع تسهیلات می‌تواند در این زمینه معیاری برای انتخاب شیوه مناسب جهت امهال عقد منشأ تسهیلات به‌شمار آید؛ برای نمونه، در تسهیلات از نوع مصرفی (که اغلب کوتاه‌مدت هستند) از روش تمدید و در تسهیلات سرمایه‌گذاری (که غالباً بلندمدت هستند) از روش تجدید یا تبدیل عقد استفاده شود.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

– کتاب‌ها

۱. خمینی، روح‌الله، *تحریر الوسیله*، ج ۵، (تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۹).
۲. دهخدا، علی‌اکبر، *فرهنگ دهخدا*، (تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۸).
۳. کاتوزیان، امیرناصر، *عقود معین*، ج ۲، (تهران: انتشارات گنج دانش، چ ۸، ۱۳۸۸).

– مقالات

۴. السان، مصطفی و نوروزیان، محمد، «ماهیت فقهی- حقوقی استمهال معوقات بانکی»، *پژوهش‌نامه میان‌رشته‌ای فقهی*، ش ۱ (۱۳۹۱).
۵. حاجی پور، مصطفی؛ صفربور سدهی، عیسی، «بررسی سود در تسهیلات مشروط بانکی»، *نشریه‌ی مطالعات حقوق تطبیقی معاصر (فقه و حقوق اسلامی سابق)* ش ۱۱ (۱۳۹۴).
۶. شعبانی، احمد و جلالی، عبدالحسین، «دلایل گسترش مطالبات معوق در نظام بانکی ایران»، *فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه*، ش ۴ (۱۳۹۰).
۷. صفرزاده، محمدحسین و جعفری‌منش، ابراهیم، «نقش کیفیت ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول بانک‌های ایرانی در مواجهه با بحران‌های سیستم بانکی»، *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، دوره ۲۶، ش ۳ (۱۳۹۸).
۸. قبولی درافشان، سید محمدمهدی و محسنی، سعید، «تأملی فقهی- حقوقی بر ماده ۵۷۵ قانون مدنی»، *مجله مطالعات اسلامی، فقه و اصول*، دوره ۴۳، ش ۸۷ (۱۳۹۰).
۹. کریمی، عباس؛ نقیعی، سید ابوالقاسم؛ حسین بیگی، علیرضا، «تحلیل رویه‌ی قضایی پیرامون انعقاد قرارداد مشارکت مدنی بانکی به‌منظور تسویه تسهیلات قبلی»، *فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی*، ش ۸۲ (۱۳۹۷).
۱۰. ملاکریمی خوزانی، فرشته، «بررسی مبانی دریافت جریمه دیرکرد و خسارت تأخیر تأدیه در نظام بانکی»، *ویژه‌نامه بانکداری اسلامی*، (۱۳۹۰).
۱۱. موسویان، سید عباس و غلامی، روح‌الله، «بررسی راهکارهای استمهال مطالبات غیرجاری در بانکداری بدون ربا»، *فصلنامه رونده*، ش ۶۳ و ۶۴ (۱۳۹۲).

۱۲. موسویان، سیدعباس و کشاورزبان، اکبر، «طراحی اعتبار در حساب جاری در بانکداری بدون ربا در قالب مشارکت مدنی مشروط»، پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی ج.ا.ا. ایران، (۱۳۹۰).

۱۳. نیلی، فرهاد؛ خشنود، زهرا؛ شاهچرا، مهشید، «ارزیابی فضای کسب و کار بانکی با تأکید بر محیط قانونی و مقرراتی در ایران»، فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی، ش ۱۰ (۱۳۹۴).

ب) عربی

۱۴. رشیدرضا، محمد، تفسیر المنار، ج ۳، (بیروت: دار الاحیاء التراث العربی، بی‌تا).

۱۵. طباطبایی، سید محمد کاظم، عروه الوثقی، ج ۵، (قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۲۰ق).

ج) منابع الکترونیک

۱۶. قلیچ، وهاب، «۹ تصور اشتباه درباره‌ی ربا»، (۱۳۹۵):

<<https://mbri.ac.ir/Default.aspx?pagename=islamicbankingpages&id=272498&Language=1>>